

وجوه اشتراك و افتراق

انقلاب اسلامی ایران

و انقلاب نیکاراگوا

مشخصات این نوع حکومتها می باشد، با تعارضی که این مشخصه با فطرت ظلم ستیزی انسانها دارد عامل طغیان توده ها و حرکت آنها برای رهائی از یوغ استبداد و استعمار می گردد.

— انقلابهای ضد استبدادی و ضد استعماری ممکن است دارای یک پشتوانه ایدئولوژیک بوده و یا فاقد آن باشد. وقتی یک انقلاب ضد استعماری و استبدادی از پشتوانه قوی ایدئولوژیک برخوردار باشد، ضریب انحراف و سازشکاری در آن تقریباً به صفر می رسد و حال آنکه وقتی یک چنین انقلابی از هدایت مکتبی محروم باشد هر آن در خطر انحراف و سازش قرار دارد.

وجوه افتراق انقلاب اسلامی ایران و انقلاب نیکاراگوا را با توجه به نکته اخیر بشرح زیر بیان می کنیم.

۱ — پشتوانه ایدئولوژیک دو انقلاب

انقلاب اسلامی ایران همانگونه که از نامش پیداست انقلابی است متکی بر مبنای اسلامی که اصالت، جامعیت و پویایی این مکتب مهمترین عامل در اصلاح پیوسته حرکت این انقلاب و سد اصلی هر گونه انحراف و سازش در آن می باشد، چه اسلام، ماهیتاً از هر گونه انحراف بری بوده و سازشکاری در این مکتب محکوم است. در مقابل، ایدئولوژیهای دیگر در مقاطع حساس به سازش کشانده می شوند. که ما در عصر حاضر سازشکاری مکتب باصطلاح مهم جهان یعنی مارکسیسم، را بوضوح می بینیم.

اصالت مکتبی انقلاب اسلامی باعث شد که پس از پیروزی انقلاب علیرغم تضییقات و تهدیدات و تجاوزات

— یکی از عوامل اصلی در شکل گرفتن انقلاب ناسیونالیستی، تجاوز و استقرار نیروهای نظامی یک کشور در کشوری دیگر می باشد. در واقع باید گفت: حضور نیروهای اشغالگر میان یک ملت معمولاً باعث تحریک و طغیان احساسات ناسیونالیستی مردم آن کشور می گردد.

— در مورد انقلاب ضد استبدادی، حضور نیروهای خارجی در یک کشور ضروری نیست بلکه عامل اصلی آن، تسلط و فرمانروایی یک حاکم و یا سلطان جابر و دیکتاتور در کشور می باشد. این فرمانروایان نوعاً به قدرتهای قوی تر در بیرون از مرزهای کشور وابستگی داشته و در واقع خط مشی را از آن مرکز قدرت دریافت می کنند. (توضیح اینکه این روش نفوذ قدرتهای بزرگ در یک کشور، همان استعمار نومی باشد) روش خشونت آمیز و ظالمانه ای که از

در شماره پیشین، قسمت اول این مقاله با عنوان «وجوه اشتراك انقلاب اسلامی ایران و انقلاب نیکاراگوا» به چاپ رسید.

از آنجا که عنوان کلی این مقاله «وجوه اشتراك و افتراق انقلاب اسلامی ایران و انقلاب نیکاراگوا» بود، بدینوسیله تصحیح و اکنون قسمت دوم این مقاله، تقدیم اقامت پاسدار اسلام می شود.

بخش دوم

قبل از ورود به بحث وجوه افتراق دو انقلاب مقدماً یادآوری می گردد که بطور اجمال می توان انقلاب ها را به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱ — انقلاب ناسیونالیستی.
- ۲ — انقلاب ضد استبدادی و ضد استعماری.
- ۳ — انقلاب ایدئولوژیک.

شیطان بزرگ، تزلزلی در راستای پویای حرکت انقلاب اسلامی پدیدار نشود و علیرغم تصورات باطل بعضی تحلیلگران، کمترین گرایش فکری، به شرق در جامعه انقلابی ما ظاهر نگردد و در میان ناباوری گروههای وابسته بشرق و غرب در اوج خصومت و کینه تیزی غرب (که از نظر خود باختگان مارکسیسم بهترین و موجهترین دلیل برای هم آغوشی با شرق است) با توقیف و محاکمه سران حزب توده، سازش ناپذیری و استواری انقلاب اسلامی پیش از پیش آشکار شد، لیکن انقلاب نیکاراگوا فاقد چنین محور فکری عمیق و پویائی بوده و بدلیل همین ضعف ایدئولوژی هرفشاری از طرف ابر قدرت غرب را با گامی در همسویی بیشتر با ابر قدرت شرق جبران می کند.

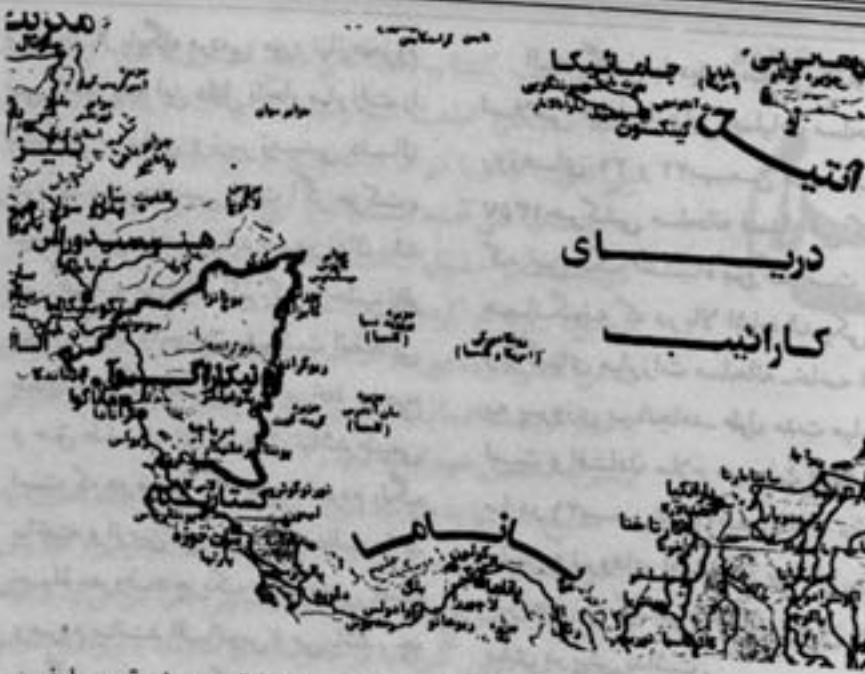
در مورد انقلاب نیکاراگوا باید گفت: همین ضعف ایدئولوژی و ماهیت سازشکاری مکتب مارکسیسم باعث می شود که رهبران انقلابی این کشور بارها خواهان نشست و مذاکره با سران دولت امریکا شوند و این شیطان بزرگ است که با درک این نقطه ضعف پیوسته از زیر بار چنین مذاکراتی شانه خالی می کند.

۲ - کیفیت رهبری درد و انقلاب:

همانطور که می دانیم نقطه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۴۱ برهبری امام امت بسته شد و تا زمان اوج و پیروزی انقلاب، این رهبری پیامبرگونه بطور مستمر وجود داشت و رهنمودهای ایشان در هر کجا که بودند در طول مبارزه بوسیله سیستم هدایتی روحانیت مبارز، در میان توده مردم در حداقل زمان ارائه می شد و همین رهبری یگانه که پایگاهش در عمق اعتقاد مردم قرار دارد پس از پیروزی

آنتی کاپیتالیسم
آنتی امپریالیسم
آنتی استالینیسم

دریای کارائیب



انقلاب نیز تاکنون حرکت انقلاب را از هرگونه انحرافی دور نگاه داشته است. اما در مورد نیکاراگوا چنین نیست و رهبری واحد وجود ندارد بلکه در آنجا ساندنیست ها که چریکهای مبارز علیه سوموزا بودند و نیز گروهی از کثیشان انقلابی و همچنین یک دسته از روشنفکرها با افکار لیبرالی و آرو پائی که در مبارزه شرکت داشتند با ترکیبی از بازرگانان و سرمایه داران موافق انقلاب چپه ای را تشکیل داده بودند و علیه دیکتاتوری سوموزا می جنگیدند و می بینیم که بعدها جشاحهای مختلف از گروههایی که تمام برده شد در کادر رهبری شرکت می کنند و شاید بتوان گفت: یکی از دلایلی که انقلاب نیکاراگوا مشکل بتواند در مسیر صد درصد صحیح یک انقلاب حرکت کند، همین عدم وجود رهبری واحد باشد.

۳ - عکس العمل روانی و عاطفی در مقابل ابر قدرتها

موضوعگیری انقلابیون نیکاراگوا در مقابل ابر قدرتها اغلب این معنا را تداعی می کند که برای باقی ماندن باید بدامان

یکی از دو ابر قدرت شرق و یا غرب متصل شد. صرف نظر از نقاط ضعف سیاسی نیکاراگوا در مقابل ابر قدرتها که قبلاً بآن اشاره کردیم، نوعی خود باختگی که می توان آنرا مسئله سیاسی - روانی نامید در اغلب رهبران فعلی نیکاراگوا وجود دارد. لیکن در مورد انقلاب اسلامی ایران چنین نقیصه ای وجود ندارد و علت اصلی آن اتکاء بنفس است که ایدئولوژی اسلام به معتقدین به این مکتب القاء می کند و سبب می گردد. که هیچ گونه ضعفی در مقابل ابر قدرتها احساس نشود که البته این ویژگی منبعث از تفکر توحیدی اسلام است که برای انسان خدا ترس، ترس از هیچ نیروی وجود ندارد.

۴ - نقش جنگ مسلحانه درد و انقلاب

باتوضیحی مختصر در مورد مبارزات مسلحانه به این وجه افتراق دو انقلاب می پردازیم:
اصولاً جنگ مسلحانه زمانی بوجود می آید که مبارزه زیربنای مردمی نداشته باشد، در این شرایط گروههایی که برای سرنگونی نظام حاکم وارد مبارزه

می شوند از پایگاه مردمی مورد نیاز محروم می باشند و به این دلیل ناچار مبارزات را بشکل مخفی و زیرزمینی دنبال می کنند. بدیهی است اگر حرکت، مسیر حق را بپیماید بمرور زمان رشد می کند و می تواند کم کم با جلب نظر مردم، آنان را جذب حرکت انقلابی بنماید و هرگاه مسیر مبارزه بر خط صحیح و حق طلبانه ای منطبق نباشد طبیعی است که در ضمیر حق جویانۀ مردم رنگ باخته و از بین می رود. این مطلب مؤید جمله معروف «چریک مانند ماهی است و مردم مانند اقیانوس» می باشد، چه هرگاه مردم، چریک را در بین خودشان نگیرند، چریک خفه خواهد شد. مصداق این مطلب گروههایی بودند که قبل از انقلاب اسلامی ایران و حتی بعد از انقلاب دست به یک سری عملیات چریکی زدند و همان عدم پذیرش مردم و فقدان پایگاه مردمی لازم آنها را خفه کرد، در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ ساواک توانست تمام شبکه آنها را متلاشی کند زیرا مردم احساس کرده بودند که علیرغم رنگ مخالفان باشاه در حرکت این گروههای چریکی فکروخواست هاشان با آنها یکی نیست. این احساس مردم پس از انقلاب، شکل واقعی بخود گرفت زیرا حرکات تروریستی این گروهها و انجام سایر جنایات آنها را بسان وصله های ناجور و اجسام ناهمگون نمودار و به کناری افکند. در مقابل این فعل و انفعال، عدم موفقیت ساواک و نیروهای امنیتی رژیم سابق برای کنترل و سرکوب تظاهرات و حرکت ایدئولوژیک و سیاسی مردم در سال ۱۳۵۷ قابل تعمق و بررسی می باشد. این عدم توفیق بدلیل پایگاه مردمی حرکت انقلابی و نفوذ رهبران روحانی این حرکت در اعماق فکر و اندیشه مردم بود.

البته گاهی با دیدی سطحی انقلاب اسلامی ایران را بدلیل عملیات مسلحانه روزه های ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ حرکتی مسلحانه قلمداد می کنند که این یک اشتباه بزرگ است چه همانگونه که در بالا اشاره شد یکی از ویژگیهای مبارزات مسلحانه - خاصه اگر به پیروزی بیانجامد - طول مدت مبارزه است و افتادن سلاح در دست انقلابیون ما در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ همزمان با سقوط ارتش و نیروهای امنیتی رژیم سابق و در شرایطی بود که امواج انقلابی مردم دیگر سدی در پیش نداشت.

همین جا به وجه افتراق انقلاب نیکاراگوا و انقلاب اسلامی ایران در این زمینه اشاره می کنیم، که جنبش چریکی و مبارزه مسلحانه در انقلاب نیکاراگوا نقش بسیار مهمی را داشته است. در واقع می توان گفت بدون مبارزه چریکی و حرکت مسلحانه که عامل اصلی متلاشی شدن گارد ملی سوموزا بود، انقلاب نیکاراگوا به پیروزی نمی رسید و همانطور که در قسمت های قبل اشاره شد سیر تحولات لازم در حرکت مسلحانه از عملیات مخفی، طول زمان مبارزه چریکی، نفوذ تدریجی در مردم و جلب حمایت نسبی آنها در مبارزات مسلحانه ساندنیست ها بچشم می خورد ولی در انقلاب اسلامی ایران چنین مکانی برای مبارزات مسلحانه وجود ندارد، و اگر چه مردم در ۲۱ بهمن اسلحه بدست گرفتند ولی همچنان که اشاره شد این در شرایطی بود که در حقیقت ارتش و سایر ارگانها و نیروها توسط حرکت انقلابی و عظیم مردم غیر مسلح سقوط کرده بود و یا در شرف فرو ریختن بود و در واقع اسلحه وقتی بدست انقلابیون افتاد که دشمن شکسته شده بود و این حرکت با مبارزات مسلحانه که گاهی دهها سال ادامه

می یابد تا بتواند بر رژیم جابر حاکم پیروز شود (مانند نیکاراگوا) متفاوت است.

۵- اتکاء اقتصادی به کشورهای خارج:

انقلاب نیکاراگوا از ابتدای شکل گیری از کشورهای خارجی نظیر کوبا کمکهای را دریافت می کرد. این کمکها عمدتاً آموزشهای چریکی و بعضاً کمکهای مالی بود. اهمیت این همکاری و کمک برای مبارزین نیکاراگوا در حدی بوده است که در صورت فقدان، احتمالاً انقلاب نیکاراگوا به پیروزی نمی رسید. مهمترین اشکال این نوع کمکها باز پرداخت آنهاست که تنها بصورت گرایش و همسویی فکری و عقیدتی پذیرفته می شود هم اکنون در انقلاب نیکاراگوا چنین گرایشانی بوضوح احساس می شود. در مقابل انقلاب اسلامی ایران، از ابتدای بر نیروی توده مردم با پشتوانه اعتقادی آنان بوده است و بدون دریافت کمکهای مادی و تمهید آور، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و هم اکنون جمهوری اسلامی ایران بدلیل عدم دریافت کمک های خارجی می تواند راست و استوار روی پای خود بایستد و هیچ گونه وابستگی و تمهیدی نسبت به دول خارجی نداشته باشد.

در خاتمه یادآوری می گردد که ویژگیها و طبیعت انقلاب با توجه به اینکه با سرشت و تفکرات پیچیده انسانها نزدیکی و آمیختگی دارد خود بخود شناخت و تجزیه و تحلیل آنرا دشوار می سازد و مطمئناً در انقلاب بزرگ اسلامی ایران نکات و ظرافتهای زیادی وجود دارد که در این بررسی به جهت اجمال در بیان به تحریر در نیامده است.